

اولویت‌های اقتصاد سیاسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بررسی تطبیقی کشورهای شرق آسیا

اباذر اشتری مهرجردی* ، فاطمه سرخه دهی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۸

چکیده

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اجرا با چالش‌های مهمی مواجه خواهد بود که این مقاله مبتنی بر مبانی نظری نهادی و نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث به دنبال راهکارهای علمی و عملی آن است. روش مقاله تحلیلی-توصیفی و نتایج نشان می‌دهد حل معضل خشونت و ثبات سیاسی، مسئله رانت نامولد نخبگان قدرت و مسئله اجرا از مهم‌ترین معضلات الگو است و نقش نخبگان قدرت، دستگاه قضایی و راه‌حل‌های بومی در حل چالش‌ها با اهمیت است. همچنین کشورهای ژاپن، کره جنوبی، مالزی و چین در شاخص‌های «امنیت حقوق مالکیت»، «کنترل فساد»، «عدم خشونت و ثبات سیاسی» و «اعتراض و پاسخگویی» توسط بانک جهانی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاکی از آن است که همه آنها به‌جای راهبردهای دموکراسی، دسترسی باز سیاسی و بازار آزاد به شیوه غربی در ابتدای فرآیند توسعه دسترسی‌های محدود سیاسی و حکومت‌های اقتدارگرا داشته‌اند. اما اولویت همگی آنها برای پیشرفت اقتصادی، امنیت حقوق مالکیت مولدها با حذف داوطلبانه و یا اجباری رانت‌های نخبگان قدرت و نیز کنترل فساد بوده است. نقش دستگاه قضایی و نخبگان قدرت برای رفع سه معضل بزرگ نظام‌های دسترسی محدود (کشورهای درحال توسعه) بی‌بدیل است و ایجاد راه‌حل‌ها و نهادهای بومی برای طی این فرآیند ضروری است.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظم اجتماعی، امنیت حقوق مالکیت، رانت، خشونت و فساد.

* استادیار گروه مطالعات اجتماعی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران، ashtari@iscs.ac.ir
** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور مرکز پاکدشت، پاکدشت، ایران، (نویسنده مسئول).
fatemeh_sorkhedehi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

پیشرفت و توسعه مهم‌ترین هدف همه کشورهاست و ایران نیز از این مسئله مستثنا نیست. در ۵۰ سال اخیر کشورهای بسیاری برای توسعه تلاش کرده‌اند اما تعداد اندکی به سمت توسعه حرکت کرده‌اند. اکثر کشورهای شکست‌خورده بدون توجه به مقتضیات بومی با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری پیشنهادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دچار شکست و یاس در اهداف توسعه شده‌اند. این سیاست‌ها که مبتنی بر اقتصاد آزاد و لیبرال دموکراسی غربی است در اکثر کشورهای درحال توسعه به اجرا درآمد. در بسیاری موارد کاهش معنی‌داری در فقر و یا ارتقاء نظام‌مندی در توسعه رخ نداد. اما تعداد اندکی از کشورها که عمدتاً در شرق آسیا قرار داشتند توانستند با تکیه بر «الگوی بومی توسعه» به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. این کشورها از سیاست‌های تعدیل ساختاری و الگوهای توسعه غربی، الگوبرداری محض نکرده و با تدوین و اجرای الگوی توسعه بومی با اولویت‌های بومی به توفیق دست یافتند.

ایران پس از چندین دهه برنامه‌ریزی توسعه، اجرای سیاست‌های نئولیبرال تعدیل ساختاری و سردرگمی اقتصادی، عملکرد اقتصادی مطلوبی نداشته و نتوانسته به توسعه دست یابد. به همین دلیل «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به‌عنوان الگوی پیشرفت همه‌جانبه، مبتنی بر مقتضیات بومی ایران، مطرح و در حال تکمیل است. این الگو با چالش‌های داخلی و خارجی بسیاری در مسیر تدوین و اجرا مواجه است. شناخت این چالش‌ها و تشخیص اولویت‌های فرآیند توسعه متناسب با مقتضیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی ایران مسئله مهم الگو خواهد بود. از این رو بررسی کشورهای موفق در دهه‌های اخیر می‌تواند راهگشا باشد. دلایل دیگر برای انتخاب کشورهای موفق شرق آسیا عبارت‌اند از: ساخت سیاسی استبداد شرقی و شیوه تولید آسیایی، دوره طولانی فقر و اقتصاد معیشتی، فقدان منابع نفتی، معدنی و مستعمراتی، عدم تبعیت از توصیه نهادهای بین‌المللی جهانی مانند IMF و بانک جهانی و کسب موفقیت سریع در

سایه تدوین الگوی توسعه بومی، تشخیص به‌موقع اولویت‌های فرآیند توسعه متناسب با اقتضائات ملی و ایجاد نهادهای بومی حامی توسعه.

مسئله اصلی این مقاله بررسی مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد سیاسی «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» از دیدگاه رویکرد نهادگرایی در توسعه است. از آنجاکه مسیر توسعه یک فرآیند است و همه اهداف توسعه در ابتدای مسیر با هم قابل حصول نیستند، باید اولویت‌ها در ابتدای مسیر مشخص شود. این اولویت‌ها در زمینه اقتصاد و سیاست باید متناسب با شرایط و اقتضائات بومی باشد. استفاده از تجارب کشورهای موفق در تدوین «الگوی توسعه بومی» نظیر کشورهای شرق آسیا، راهگشاست. بنابراین مسئله بعدی مقاله، بررسی اولویت‌های اقتصاد سیاسی تجربه کشورهای شرق آسیا در ابتدای مسیر توسعه است. آیا دموکراسی به شیوه غربی و دسترسی باز سیاسی اولویت توسعه در این کشورها بوده یا پیشرفت و توسعه اقتصادی؟ مؤلفه‌های مهم برای حصول توسعه اقتصادی از دیدگاه نورث چیست و تجربه این کشورها چگونه بوده است؟

اهمیت و ضرورت موضوع

«الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» راهبرد پیشرفت همه‌جانبه ایران است. این الگو پس از سال‌ها تجربه برنامه‌ریزی توسعه در ایران تدوین شده است و اکنون پس از تدوین سند اولیه با چالش‌های مهمی مواجه است. تدوین الگو، شناخت اولویت‌ها و ارائه راه‌حل‌ها باید متناسب با شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی ایران و با حداقل خطا باشد. شرایط سیاسی ایران در منطقه، تحریم‌های ظالمانه، شوک‌های اقتصادی، دخالت‌های خارجی در امور داخلی برای تبدیل اعتراضات صنفی و مدنی به خشونت و بحران، مسئله دموکراسی و آزادی احزاب و رسانه‌ها، رانت‌های نامولد و فساد اقتصادی همه در زمره چالش‌های مهم اقتصاد سیاسی الگو محسوب می‌شوند.

شکست الگو در تدوین و اجرا جبران‌ناپذیر و پرهزینه خواهد بود. زیرا علاوه بر اینکه موجب از بین رفتن اعتماد عمومی، دل‌سردی و نا اطمینانی به آینده می‌شود، برنامه‌ریزی‌های بعدی را نیز با شکست مواجه خواهد ساخت. وجود رقبای قوی، سرعت پیشرفت‌های فناورانه و علمی در دنیا، مشکلات سیاسی و کارشکنی‌های نظام سلطه، «افزایش رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی، بالا رفتن توقعات مردم و طولانی شدن دوره گذار (شاکری، ۱۳۹۵: ۲۴) مسیر پیشرفت ایران را سخت‌تر از کشورهای توسعه‌یافته کنونی کرده است. به همین دلیل شناسایی چالش‌های پیش روی الگو و راهکارهای آن و نیز تشخیص اولویت‌های اقتصاد سیاسی الگو از مهم‌ترین مسائل الگو است و اهمیت این مقاله در پرداختن به این مسائل است.

پیشینه پژوهش

در خصوص الگوهای توسعه، پژوهش‌هایی در خارج و داخل کشور انجام شده است که به چند مورد اشاره می‌گردد.

تامپسون (۲۰۱۶) مدل توسعه چین، ژاپن و سنگاپور را مدل توسعه متفاوت از نظریات غربی می‌داند که در آن دموکراسی و آزادی‌های سیاسی منجر به توسعه اقتصادی نمی‌شود. او مدل کشورهای یادشده را برگرفته از آلمان می‌داند و معتقد است همه این کشورها از دولت‌های اقتدارگرا و غیردموکرات در هنگام توسعه برخوردار بوده‌اند. تجربه کشورهای شرق آسیا متفاوت از فرآیند توسعه غرب است و معتقد است توسعه اقتصادی آنها منجر به دموکراسی غربی نشده و توسعه صنعتی در اولویت بوده است.

پارک (۲۰۰۲) معتقد است یک مدل توسعه در شرق آسیا وجود دارد. اما تفاوت‌هایی در راهبردها و ساختارهای اقتصادی آنها وجود دارد که به نقش دولت توسعه‌گرا در آنها بستگی دارد. اما همه آنها توسعه اقتصادی را در اولویت توسعه قرار دادند. آنها محدودیت‌های بازار آزاد را شناسایی و از دخالت دولت در اقتصاد برای

توسعه استقبال کردند. در حقیقت همه آنها در اولویت دادن به دسترسی باز اقتصادی از طریق مداخله دولت‌های اقتدارگرای توسعه‌گرا اشتراک دارند.

بنژامین (۲۰۱۵) نیز معتقد است تأثیر میجی ژاپن بر توسعه کشورهای آسیای شرقی بیش از نظریه‌های رایج توسعه بوده است. کره جنوبی و تایوان نمونه‌های موفق دیگری از تجربه دولت اقتدارگرا هستند که به تدریج با رشد اقتصادی به سمت دموکراسی رفته‌اند و نه بالعکس.

نقیب‌زاده و دلفروز (۱۳۹۳) با بررسی فرآیند توسعه اقتصادی کره جنوبی بیان می‌کنند که کره با وجود دولت توسعه‌گرا از ساختار غیردموکراتیک برخوردار است و موفقیت آن به گونه‌ای بوده که حتی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از تجربه‌های آن برای حفظ پویایی اقتصادشان درس‌آموزی نموده‌اند. آن‌ها معتقد هستند نخبگان توسعه‌گرا و کمتر فاسد و دیوان‌سالاری کارآمد مهم‌ترین دلیل توسعه کره است. کره در ابتدای مسیر توسعه برای حفظ ثبات داخلی به اقتدارگرایی روی آورد تا اقتدارش آماج حملات جامعه مدنی قرار نگیرد.

شیرزادی (۱۳۸۹) با بررسی دولت و توسعه سیاسی در مالزی به‌عنوان کشور مسلمان شرق آسیا معتقد است که مالزی کشوری دموکراتیک مانند سایر کشورهای توسعه‌یافته نیست اما با استفاده از تجربه توسعه ژاپن و کره جنوبی در این منطقه توانسته علیرغم فقدان توسعه سیاسی به توسعه اقتصادی دست یابد. همچنین شیرزادی (۱۳۹۰) با بررسی توسعه کره جنوبی نشان می‌دهد که کره با وجود برخورداری از توسعه اقتصادی همچنان از دولت اقتدارگرا در عرصه سیاسی برخوردار است. دولت توسعه‌گرای کره پس از دستیابی به توسعه صنعتی به تدریج در حال بهبود ساختارها و نهادهای دموکراتیک است.

مبانی نظری و مفهومی

در این بخش به سه عنوان اولویت‌ها در دو الگوی رایج توسعه، مسئله رانت، خشونت و فساد و راه‌حل‌های بومی برای الگوی پیشرفت بومی خواهیم پرداخت.

۱- اولویت‌ها در دو الگوی رایج توسعه

همان‌طور که در مقدمه گفته شد دو رویکرد غالب در زمینه توسعه مطرح است: نخست رویکرد توسعه نئوکلاسیکی و لیبرال که الگوی یکسانی را تحت عنوان سیاست‌های اجماع واشنگتنی به همه کشورهای در حال توسعه معرفی می‌کند و معتقد است باید همه کشورها به شیوه توسعه در غرب و به صورت خطی عمل کنند. در این الگو شیوه توسعه در همه کشورها یکسان است: فارغ از مقتضیات بومی، اولویت هر کشور در مسیر توسعه دموکراسی به شیوه غربی در سیاست و هم‌زمان بازار آزاد در اقتصاد است. سیاست‌های پیشنهادی اقتصاد نئوکلاسیکی عبارت‌اند از: کاهش تعرفه‌ها، بازار آزاد، کاهش و حذف یارانه‌ها، افزایش نرخ ارز برای افزایش صادرات، ورود سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

نتیجه دموکراسی به شیوه غربی و بازار آزاد برای کشورهای در حال توسعه چیزی جز فقر، بیکاری، غلبه یاس و ناامیدی، کودتا و شورش‌های اجتماعی نبوده است (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۴۰). رویکرد دیگر، نهادگرایی است که معتقد به الگوی توسعه بومی متناسب با شرایط هر کشور است. بنابراین رویکرد دوم با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطابقت بیشتری دارد. در این مقاله از رویکرد نهادگرایی و نظریه «توازن دوگانه» داگلاس نورث برنده جایزه نوبل اقتصاد استفاده شده است.

از دیدگاه رویکرد توسعه نهادگرا کشورها به دو دسته نظام‌های دسترسی محدود و دسترسی باز تقسیم می‌شوند و نظام‌های دسترسی محدود نیز خود به سه دسته نظم دسترسی محدود شکننده، پایه و بالغ قابل تقسیم هستند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰). با این تقسیم‌بندی کشورهای در حال توسعه در زمره نظام‌های دسترسی محدود هستند.

مسئله اصلی کشورهای در حال توسعه، مهار خشونت و حل مسئله رانت‌های نامولد است. این نظام‌ها از طریق دخل و تصرف نظام سیاسی در اقتصاد و از طریق خلق رانت، خشونت را مهار می‌کنند که این نحوه سازمان‌دهی جامعه را یک نظام دسترسی محدود می‌نامیم. در این نظام‌ها نخبگان قدرت به دلیل جایگاه انحصاری خود از رانت‌هایی برخوردارند که همکاری بین آنها را تضمین می‌کند. توزیع رانت میان چند گروه مخالف نخبگان که به هم اعتماد ندارند منفعت بیش از خشونت برای گروه‌ها دارد. رانت مانند چسبی است که از خشونت جلوگیری می‌کند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۹).

ساختار نهادی دولت در نظام دسترسی محدود شکننده ساده است. افراد و سازمان‌ها چه بسا منافع بالقوه بیشتر در ساختارهای نهادی بهتر را دریابند اما ناتوانی در حفظ ائتلاف آنها را از سپردن تعهد به رعایت قوانین بازمی‌دارد و این یک نکته کلیدی است. در حقیقت نخبگان قدرت نقش مهمی در استمرار توسعه نیافتگی ایفا می‌کنند. در دامنه پایه از جوامع دسترسی محدود در مقایسه با دسترسی محدود شکننده دولت به خوبی استقرار یافته است. اعضای طبقه حاکم و سایرین به دلیل ترس از مصادره نسبت به ایجاد سازمان‌های خصوصی که دارای اهمیت اقتصادی باشد اکره دارند (همان: ۳۲). در نظام دسترسی محدود بالغ، دولت ساختار نهادی پایداری دارد. پایداری دولت به سیاست‌ها و نهادها می‌تواند اطمینان‌بخش‌تر باشد، زیرا سازمان‌های خصوصی طبقه حاکم در موقعیتی هستند که به دولت فشار اقتصادی می‌آورند تا به تعهداتش پایبند بماند که به دلیل تفکیک و استقلال نهادهای عمومی همچون دادگاه‌ها و بانک مرکزی که حافظ منافع بخش خصوصی هستند، حاصل می‌شود. نظام دسترسی محدود بالغ نسبت به شکننده و پایه در مقابل تکان‌ها مقاوم‌تر است (همان: ۳۳).

نورث معتقد است جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، نظام‌های دسترسی محدود هستند که در طیف سه‌گانه شکننده، پایه و بالغ قابل تقسیم‌بندی هستند. جوامع، محکوم به گذار از وضعیت شکننده به پایه یا بالغ نیستند و در حقیقت برخی از جوامع به جای

پیشرفت، پسرقت می‌کنند یا قرن‌ها در یک وضعیت می‌مانند و نسبت به تکانه‌های داخلی و تحولات محیطی همانند تغییر در قیمت‌های نسبی و فناورانه، تغییرات جمعیتی، تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرند.

کشورهای درحال توسعه که اینجا نظام دسترسی محدود می‌نامیم با دو مسئله اساسی مواجه هستند، مسئله خشونت و رانت.

۲- مسئله رانت، خشونت و فساد

داگلاس نورث و همکارانش والیس، وینگاست و وب در مطالعات سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ به این نتیجه رسیدند که مسئله وجود خشونت و چگونگی مهار آن و نیز وجود رانت به‌عنوان دو مانع اصلی و کلیدی برای دستیابی به دسترسی باز یا همان توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در حقیقت این دو مسئله تأثیر دوسویه دارند، رانت‌ها برای مهار خشونت هستند و موجب استمرار توسعه‌نیافتگی می‌شوند و در صورت حذف آنها خشونت رخ می‌دهد که خود مانعی دیگر برای توسعه است. نخبگان قدرت در این میان نقش کلیدی دارند. راه‌حل مسئله در افزایش امنیت حقوق مالکیت کارآفرینان از طریق حذف رانت‌های نامولد فرادستان است البته به‌نحوی که به خشونت نینجامد.

در نظام‌های دسترسی باز رانت‌ها «شومپتری»^۱ است یعنی به کارآفرینان تعلق می‌گیرد و ناپایدار است اما در نظام‌های دسترسی محدود رانت‌ها «نامولد» است و به نخبگان قدرت تعلق دارد، این رانت‌ها وضعیت جامعه را بدتر می‌سازد (نورث، ۲۰۰۶: ۴۷ و ۱۳۹۵: ۲۳). چنانچه رانت ائتلاف مسلط حذف شود جامعه دچار بی‌ثباتی و خشونت می‌شود. دسترسی محدود به‌نوعی از خلق رانت اهمیت می‌دهد که از ایجاد خشونت در میان ائتلاف نخبگان بکاهد در زمان‌های بحران رانت‌های جدید خلق می‌شود تا خشونت را مهار سازد که در برخی موارد به افول اجتماعی منتهی می‌شوند

(نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). یکی از مهم‌ترین اقدامات توسعه مبارزه با فساد و بخصوص ریشه‌کنی رانت غیر مولد است.

از دیدگاه نورث فرآیند رسیدن به نظام دسترسی محدود بالغ یا همان آمادگی برای طی مسیر پیشرفت و توسعه نیازمند ۳ شرط است: ۱- کاهش خشونت ۲- حاکمیت قانون ۳- افزایش اعتماد به دولت (حکومت) به واسطه حمایت و تضمین توافقی‌های میان سازمان‌ها توسط دولت (حکومت).

از دیدگاه نورث (۱۳۹۵) و (۲۰۰۷) برای گذار از دسترسی محدود به باز و توسعه‌یافتگی باید یک عنصر کلیدی مورد توجه قرار گیرد و آن حمایت از امنیت حقوق مالکیت است که باعث می‌شود نظم دسترسی محدود مناسبات نهادی خود را به‌صورتی توسعه بخشد که امکان مبادله غیرشخصی میان نخبگان قدرت پدید آید. برای این مهم باید اعضای ائتلاف مسلط گسترش مبادلات غیرشخصی را به نفع خویش بیابند و بنابراین سطح دسترسی‌ها را برای همه مردم افزایش دهند. در این صورت مسئله خشونت و رانت‌های نامولد که دو معضل مهم توسعه است در مسیر حل قرار می‌گیرد. در یک نظام دسترسی محدود دغدغه اصلی کاهش خشونت است که پیش‌شرطی برای هرگونه توسعه اقتصادی است. وقتی رانت‌ها حذف می‌شوند وضعیت جایگزین، بازار رقابتی نیست بلکه هرج‌ومرج و خشونت است.

نهادهای دموکراتیک با احزاب رقیب می‌توانند نظم دسترسی محدود را متزلزل سازد و مقاومت گسترده ایجاد کند. رقابت بازتر، دسترسی باز، بازارهای آزاد می‌توانند نظام خلق رانت را که نظام دسترسی محدود را حفظ می‌کند ضعیف سازند. این اصلاحات اساس نظام دسترسی محدود را تهدید و ریسک خشونت را حفظ می‌کند (North & others, 2007: 34).

در هنگام اجرای اصلاحات از قبیل کاهش رانت‌ها و فساد و ایجاد دسترسی باز از راه امنیت بیشتر حقوق مالکیت گروه‌هایی که از تحریف بازار مستقیماً سود می‌برند مانند بنگاه‌هایی که سودهای انحصاری دریافت می‌کنند از رانت‌های قدرت برخوردارند

یا گروه‌هایی که خدمات در قیمت‌های یارانه‌ای دریافت می‌کنند در مقابل اصلاحات مقاومت می‌کنند و بسیاری از کسانی که از این سیاست‌ها بهره‌مند خواهند شد از حمایت اصلاحات دریغ می‌ورزند زیرا آنها بی‌نظمی و خشونت را بدتر از بهره‌مندی اقتصادی می‌دانند (Ibid: 40).

اگر ایجاد امنیت حقوق مالکیت شرط مهم برای کاهش رانت‌های نامولد و مهار خشونت باشد، از لحاظ تاریخی جوامعی که حقوق مالکیت و حاکمیت پایدار قانون را توسعه دادند این کار را با ایجاد تعهداتی قابل‌اعتماد در مورد حفظ این حقوق برای نخبگان قدرت آغاز کردند. بعدها وقتی قرار شد حقوق نخبگان قدرت به نحوی غیرشخصی تعریف شود آنگاه امکان بسط این حقوق به حلقه‌های وسیع‌تری از جامعه پدید آمد. بنابراین به دلیل توانایی نخبگان قدرت در ایجاد خشونت و از آنجایی که رانت چسب ائتلاف مسلط است و در صورت حذف یک‌باره آن گروه‌های مختلف قدرت دست به خشونت می‌زنند، حذف یک‌باره رانت‌ها ممکن نیست و باید ابتدا نخبگان قدرت و سپس سایر حلقه‌ها از تضمین حقوق مالکیت خود اطمینان یابند.

کاهش رانت‌های نامولد به تدریج باید باشد برای این منظور باید روابط نخبگان قدرت غیرشخصی باشد یا به عبارتی شفاف و برای قوای قهریه یا همان دستگاه قضایی قابل‌رؤیت باشد و این مسئله نیازمند شرایطی است که (North & Others, 2009: 40) آن را شرایط آستانه‌ای برای غیرشخصی شدن می‌نامند:

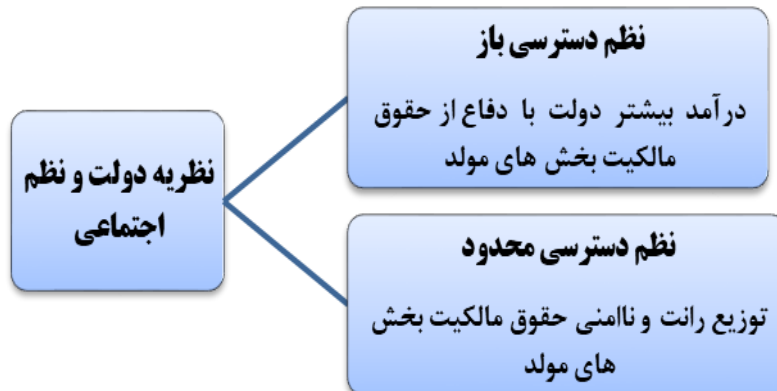
۱- حاکمیت قانون برای نخبگان قدرت

- ۲- پشتیبانی از حیات دائمی سازمان‌های نخبگان قدرت چه خصوصی و چه دولتی
 - ۳- مهار تحکیم یافته سازمان‌های دارای ظرفیت اعمال خشونت از سوی قدرت سیاسی (مهار قدرت نخبگان برای اعمال خشونت در صورت کاهش رانت‌های آنها)
- نظم دسترسی محدود ثبات را تجربه خواهد کرد زمانی که ائتلاف مسلط، افراد قدرتمند و گروه‌های دارای انگیزه‌های خشونت از خشونت خودداری کنند (North & Others, 2007: 34). نورث و همکاران معتقدند نظم‌های دسترسی محدود با دو مرحله

سخت مواجه‌اند: نخست رسیدن به نظم دسترسی محدود پایه و شرایط آستانه‌ای آن و سپس رسیدن به نظم دسترسی باز و ایجاد شرایط آستانه‌ای آن. تحت شرایط مشکل اول که نظم شکننده به آن دچار است، نیازمند تمرکز بر مراحل است که حکومت را مقاوم نماید، کنترل بر خشونت را بهبود یا ثابت نگه دارد و چهارچوب قانونی برای سازمان‌های غیردولتی ایجاد کند. نظم دسترسی بالغ باید بر خلق شرایط آستانه‌ای بر نخبگان تمرکز کند. زیرا نظم‌های دسترسی محدود توسط نخبگان کنترل می‌شوند. بسیاری از اصلاحات بیشترین اثر مستقیم را بر بهبود زندگی نخبگان و یا حتی ثبات رانت‌های نخبگان دارد (همان).

بنابراین به‌طور خلاصه نظریه نظم اجتماعی معتقد است که توسعه نیازمند دسترسی باز در اقتصاد و سیاست است. برای این مهم دو اولویت وجود دارد مهار خشونت و مهار رانت‌های نامولد نخبگان قدرت که هر دو به هم مرتبط هستند. مهار خشونت و ایجاد ثبات سیاسی و نیز تبدیل رانت‌های نامولد به مولد بخش مهمی از مسیر توسعه است که از راه حاکمیت قانون بویژه بر نخبگان قدرت و حمایت و تقویت از حقوق مالکیت بخش‌های مولد حاصل می‌شود. به لحاظ اقتصادی نیز کاهش نا اطمینانی در فضای اقتصاد کلان، کاهش شوک‌های مخرب اقتصادی و حمایت از کارآفرینان و بخش‌های مولد مهم است. اما اینکه اولویت با نظم دسترسی باز در عرصه سیاسی یا دسترسی باز اقتصادی است محل اختلاف است. الگوی سرمایه‌داری معتقد به دسترسی باز در هر دو عرصه به‌طور هم‌زمان است. اما تجربه توسعه کشورهای شرق آسیا خلاف این نظریه بوده است.

نمودار ۱- نظریه دولت و حقوق مالکیت



مأخذ: نظریات نورث و همکاران (۲۰۰۶ و ۲۰۰۹)

۳- راه‌حل‌های بومی برای الگوی پیشرفت بومی

شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هرکشوری در ابتدای فرآیند توسعه و در طول مسیر از دیگران متفاوت است و هر کشوری با توجه به شرایط بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی خود با مشکلات متفاوتی مواجه است و در نتیجه باید الگوی خاص خود و نهادهای خاص خود را ایجاد کند. دنی رودریک معتقد است: کپی نمودن دستورالعمل‌ها و نهادهای کشورهای توسعه‌یافته بی‌فایده است. نهادها باید در داخل شکل بگیرند و به تجارب، دانش و آزمون‌های داخلی متکی باشند. باید تأکید شود که نه دستورالعمل بیرونی و نه دانش بومی، به‌تنهایی تمام ماجرا را در بر نمی‌گیرند (Rodrik, 2000: 4). اهداف غیرواقعی، عدم‌حمایت سیاسی و عدم هزینه- فایده در تعیین اهداف، مانع موفقیت است. اهداف باید قابل‌اجرا همراه با در نظر گرفتن محیط اجرای سیاست، کنترل و مشاهده فساد باشد (Omoniyi, 2018: 2).

راه‌حل‌ها و نهادها برای همه کشورها یکسان و جهان‌شمول نیستند. کشورهای غربی از رهگذار دموکراسی و توسعه سیاسی یا همان دسترسی باز سیاسی به توسعه اقتصادی دست یافتند اما شرایط توسعه این کشورها با کشورهای درحال توسعه امروز متفاوت است. آن‌ها آرام و تدریجی بدون سلطه اقتصادهای برتر، بدون کارشکنی‌های

نظام سلطه، بدون توقع و انتظارات رفاهی مردم و بدون حساسیت زمان مراحل توسعه و دستیابی به نظم دسترسی باز را طی کردند (شاگری، ۱۳۹۵: ۲۴). در حقیقت نوع مشکلات کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته کنونی در ابتدای مسیر پیشرفت متفاوت است.

نورث و همکارانش معتقدند عناصر نظم دسترسی باز مانند حقوق مالکیت، بازار، نهادهای حاکمیت قانون و دموکراسی می‌توانند شکست بخورند هنگامی که در نظم دسترسی محدود بدون در نظر گرفتن مشکل پتانسیل خشونت قرار داده شوند. راه حل مسئله خشونت راه حل نظم دسترسی محدود است و اصلاحات اقتصادی با شکست مواجه می‌شوند اگر شامل ترتیباتی برای حل این مسئله نباشند (North & Others, 2007: 34).

به نظر نورث با وجود اهمیت ایجاد دسترسی باز سیاسی اما اولویت در حکومت‌های چندپاره ایجاد صلح است نه اینکه در این جوامع به واسطه دموکراسی و بازارها، دسترسی باز ایجاد کرد. زیرا این یک هدف بلندمدت است (North & Others, 2007: 40). اقتصادهای پیشرفته بازارهای آزاد و رقابت را به عنوان راه حل توسعه ارائه می‌دهند در حالی که حلقه مفقوده دانش اقتصاد سیاسی است (Ibd). ساختارهای نهادی و مکانیزم‌ها در جوامع مختلف متفاوت عمل می‌کند. اما توصیه برای همه نظام‌های دسترسی محدود این است که باید راه‌حلی برای مسئله خشونت بیابند (North & Others, 2007: 40). بنابراین باید ابتدا نخبگان قدرت را با فرآیند پیشرفت و مصالح ملی هماهنگ کرد و از این طریق به نوعی مسئله خشونت را حل نمود.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله، تحلیلی - توصیفی و تحقیق از نوع کاربردی و توسعه‌ای است. روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای بوده و برای تحلیل و بررسی‌های آماری از آخرین داده‌های WGI بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ استفاده شده است که بعنوان مرجع در مقالات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبانی نظری مبتنی بر رویکرد نهادگرایی در توسعه و نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث است و تحلیل آمار و منابع در چارچوب این رویکرد است.

ارائه یافته‌ها

کشورهای نمونه مورد بررسی، کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین و مالزی هستند که در زمره کشورهای موفق شرق آسیا قرار دارند. سه کشور اول اقتصادهای اول تا سوم آسیا و در رده ۱۰ اقتصاد برتر جهان قرار دارند. برای بررسی میزان دسترسی باز سیاسی کشورها، شاخص‌های «اعتراض و پاسخگویی» و «شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت»^۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای بررسی شاخص‌های مهم و مؤثر بر دسترسی باز و امنیت حقوق مالکیت در نظریه نورث و همکاران (۲۰۰۷) و (۲۰۰۹) و (۱۳۹۵) شاخص‌های «حاکمیت قانون»، «کنترل فساد» و «حمایت از حقوق مالکیت» مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص‌ها بخشی از شاخص‌های «حکمرانی خوب»^۲ و WGI نیز هستند که توسط بانک جهانی محاسبه می‌شوند. بازه این شاخص‌ها بین

۱- به مفهوم شاخص «ثبات سیاسی و پاسخگویی» و محاسبه آن انتقاداتی وارد است. از جمله عدم توجه به شرایط کشورها، متغیرهای مورد بررسی و مصداق آنها از جمله تعریف تروریسم، آشوب‌های خیابانی و عدم در نظر گرفتن مداخله قدرت‌های بزرگ در ایجاد آشوب و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای دیگر. به‌طورکلی شاخص‌های جهانی در مراحل جمع‌آوری و برآورد داده‌ها از سلاقی و اغراض سیاسی نهادهای بین‌المللی اثر می‌پذیرند و به آنها انتقاداتی وارد است اما به دلیل مرجع بودن مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲.۵ و ۲.۵- است. عدد ۲.۵ به معنای کشورهای قوی در این زمینه و عدد ۲.۵- به معنای کشورهای ضعیف در این زمینه است. شاخص «حمایت از حقوق مالکیت» از ۱ تا ۱۰ از ضعیف تا قوی است و از شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر استفاده شده است.

«شاخص اعتراض و پاسخگویی»^۱ میزان ادراک شهروندان یک کشور در مورد میزان مشارکت در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و اتحادیه‌ها را نشان می‌دهد. «شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت»^۲ میزان ادراک از احتمال بی‌ثباتی و خشونت سیاسی از جمله ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، تنش‌های قومی و درگیری‌های داخلی و شیوه انتقال قدرت در سطوح بالای نخبگان سیاسی و نیز وقوع جنگ و بحران ناشی از شرایط بین‌المللی را اندازه‌گیری می‌کند. «شاخص کنترل فساد»^۳ میزان ادراک از تلاش حکومت برای کسب منافع شخصی، شامل فسادهای کوچک و بزرگ را محاسبه می‌کند و همچنین «تسخیر» دولت توسط نخبگان قدرت و بهره‌های شخصی آنان را محاسبه می‌کند. «شاخص حاکمیت قانون»^۴ میزان ادراک از اینکه کارگزاران چقدر پایبند قوانین جامعه هستند و به آن اعتماد دارند را اندازه‌گیری می‌کند. بخصوص به کیفیت اجرای قراردادها، حق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها.

در ادامه شاخص‌های مورد نظر از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۸ (۲۰۱۰-۲۰۱۹ میلادی) برای کشورهای منتخب بررسی شده و نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

-
1. voice and accountability
 2. political stability no violence/Terrorism
 3. control of corruption
 4. Role of Law

تجربه کشورهای منتخب شرق آسیا

اکثر کشورهای شرق آسیا که در قرن اخیر توسعه یافتند، در ابتدای مسیر از حکومت‌های اقتدارگرا و فاقد دموکراسی و به تعبیر نورث دسترسی محدود سیاسی برخوردار بوده‌اند و برخی هنوز هم در زمره حکومت‌های اقتدارگرا هستند. اولویت آنها دسترسی باز سیاسی نبوده بلکه تلاش و تمرکز آنها بر دسترسی باز اقتصادی بوده است. این کشورها مسئله رانت و خشونت را با روش‌های مختص به خود حل نموده‌اند. در ژاپن و کره جنوبی ابتدا نخبگان قدرت با فرآیند پیشرفت و مصالح ملی هماهنگ شدند و این وفاق ملی موجب کاهش فساد و رانت‌های نامولد به صورت داوطلبانه شد که مسئله خشونت را نیز تا حد زیادی حل نمود. حل معضل خشونت از طریق دموکراسی، دسترسی باز سیاسی و ایجاد نهادهای دموکراتیک غربی نبود. در حکومت‌های اقتدارگرای شرق آسیا، حاکمیت در ابتدای توسعه مانع از به چالش کشیدن برنامه‌های توسعه اقتصادی توسط جامعه مدنی و رسانه‌ها شد. در واقع دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک، اقتدارگرایی را به مثابه ابزاری برای کنترل خشونت و ایجاد ثبات سیاسی برگزید تا از یکسو اعتماد بخش‌های خصوصی به سیاست‌های دولت از بین نرود و از سوی دیگر خشونت و اعتراض فضای اقتصاد سیاسی را متشنج نکند.

دولت‌های توسعه‌گرا شرق آسیا لزوماً دارای مشروعیت دموکراتیک نیستند اما به تدریج با فرآیند توسعه، قدرت خود را به جامعه مدنی واگذار می‌کنند تا به توسعه لطمه وارد نشود (رنانی، ۱۳۸۱: ۷۳). بنابراین به تدریج به سمت دسترسی‌های باز سیاسی پیش می‌روند و اولویت با دسترسی باز سیاسی نیست. «تجربه شرق آسیا نشان می‌دهد که هیچ چیز مؤید آن نیست که دموکراسی غربی پایان تاریخ سیاسی و توسعه هرکشوری باشد» (بدیع، ۱۳۷۶: ۴۷).

در این کشورها دولت اقتدارگرا از بروز خشونت، اعتراض و بی‌ثباتی جلوگیری می‌کند اما ترجیح منافع ملی، باعث می‌شود نخبگان از رانت‌های نامولد و روابط شخصی و ناشفاف به طور داوطلبانه کناره‌گیری کنند. افزایش امنیت حقوق مالکیت

توسط دستگاه قضایی به دسترسی باز اقتصادی می‌انجامد به تدریج این دسترسی‌های باز اقتصادی در حوزه سیاسی نیز تسری می‌یابد. نقش دستگاه قضایی در ایجاد حاکمیت قانون بویژه بر نخبگان قدرت و ایجاد امنیت حقوق مالکیت در این مرحله بسیار مهم است.

ژاپن، کره جنوبی، چین و مالزی مانند بسیاری از کشورهای درحال توسعه روزگاری با فساد، رانت و خشونت داخلی و خارجی و فقر دست‌به‌گریبان بودند اما اکنون ژاپن و کره جنوبی در زمره کشورهای پاک از لحاظ فساد هستند. چین و مالزی نیز با سرعت گرفتن توسعه اقتصادی در پی حل مسئله رانت و فساد هستند. مسئله مهم در همه این کشورها وفاق نخبگان قدرت در درجه اول و وفاق مردم در درجه دوم بر تحقق اهداف توسعه است.

مالزی: این کشور فاقد ساختار دموکراتیک است. مهاتیر محمد، اقتصاددان و پدر توسعه مالزی بارها از طریق انتخابات نخست‌وزیر مالزی گشته و معتقد است آزادی در حمایت مردم از وی خلاصه می‌شود. او از کشورهای غربی به خاطر دخالت در امور کشورهای آسیایی انتقاد می‌کند و معتقد است کشورهای آسیایی از جمله مالزی حق دارند تا وقتی از پشتیبانی مردم برخوردارند راه خود را در توسعه بروند. او همچنین در پاسخ به عدم آزادی مطبوعات بیان می‌کند: «مهم آن است که مردم به من اعتماد دارند و به من رأی می‌دهند». مهاتیر کشورهای اقتدارگرا مانند کره جنوبی و تایوان را شایسته رقابت می‌داند. او رهبری اقتدارگرا را کارتر از دولت دموکراتیک به شیوع غربی برای مالزی می‌داند (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۲).

استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ می‌گوید: «مالزی و چین دو کشوری که به برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول تن ندادند از آثار منفی بحران‌ها در امان ماندند. مقامات مالزی نمی‌خواهند کسی از بیرون به آنها دستور دهد و اعتماد کمی به صندوق بین‌المللی پول دارند. نظام بانکی مالزی به‌طور چشمگیری قوی است» (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۱۵۶). رشد اقتصادی بالای ۷ درصد پیوسته و تورم پایین به همراه

پیشرفت در حوزه فناوری این کشور را به الگوی خوبی مبدل کرده است البته خود این کشور نیز از الگوی ژاپن و کره جنوبی بهره برده است.

کره جنوبی: کره جنوبی در زمره کشورهای موفق مسیر توسعه در قرن اخیر است این کشور نیز از صنایع پیشرفته، صادرات بالا و شاخص‌های توسعه انسانی مطلوب برخوردار است. کره یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان و چهارمین اقتصاد بزرگ آسیا در سال ۲۰۱۹ است. کره نیز از الگوی دولت اقتدارگرای ژاپنی استفاده نموده است. کره با ایجاد دولت هدایتگر و فرصت‌ساز از طریق افزایش امنیت حقوق مالکیت برای بخش‌های مولد و کارآفرین و نیز با ایجاد دسترسی‌های باز اقتصادی به سطح حیرت‌انگیزی از توسعه اقتصادی و صنعتی دست یافته‌است. نخبگان سیاسی نقش ویژه‌ای در روند توسعه این کشور بازی کرده‌اند. به تدریج با افزایش سطح درآمد سرانه و کاهش نابرابری‌ها کره به سمت دموکراسی حرکت کرده اما ساختار سیاسی دموکراسی کنترل‌شده است و دولت طبق برداشت خود محدودیت‌هایی را بر آزادی سیاسی اعمال می‌کند از نمونه‌های آن سرکوب گروه‌های چپ‌گرا در این کشور است (بدیع، ۱۳۷۶: ۴۰).

ژاپن: به‌عنوان کشور پیشرو توسعه در شرق آسیا محسوب می‌شود، ژاپن سومین اقتصاد بزرگ دنیا در سال ۲۰۱۹، دومین اقتصاد آسیا و یکی از ۸ کشور صنعتی جهان است. ژاپن الگوی توسعه برای بیره‌های دیگر آسیا نظیر کره جنوبی و هنگ‌کنگ بوده است. ژاپن نیز با ایجاد دسترسی‌های باز اقتصادی از طریق امنیت حقوق مالکیت برای بخش‌های مولد به توسعه دست‌یافت. شاخص‌های توسعه در این کشور بسیار مطلوب است و در زمره ۲۰ کشور پاک دنیا است. آمار جداول زیر نیز مؤید این مطلب است. حکومت اقتدارگرای ژاپن به تدریج با توسعه اقتصادی و دسترسی‌های باز اقتصادی به سمت دسترسی‌های باز سیاسی پیش رفت. برخی آلمان را الگوی توسعه سیاسی اقتدارگرای ژاپن می‌دانند.

چین: دومین اقتصاد بزرگ دنیا و اولین اقتصاد آسیا در سال ۲۰۱۹ است. معجزه توسعه چین در حالی است که این کشور نیز از حکومت اقتدارگرا برخوردار است. با وجود اینکه کشورهای همسایه او نظیر ژاپن، کره جنوبی و هنگ‌کنگ به تدریج به سمت دسترسی‌های باز سیاسی و دموکراسی پیش رفته‌اند، اما چین پیوسته تحت نفوذ حکومت‌های مستبد و با نظم دسترسی محدود سیاسی بوده است. به نحوه توسعه چین که با استثمار نیروی کار همراه است انتقادات زیادی وارد است. چین نیز توسعه اقتصادی را بر دسترسی باز سیاسی مقدم داشته و الگوی توسعه و اولویت‌های آن متفاوت از الگوی غربی توسعه است. «چین به جای انتخاب دموکراسی و اقتصاد بازار، اقتدارگرایی در حکومت و بازار، رشد زیاد، ثبات، بهبود سطح زندگی و محدودیت آزادی بیان را انتخاب کرده است» (Halper, 2010).

در ادامه کشورهای منتخب شرق آسیا با ایران و کشورهای منتخب توسعه‌یافته غرب در شاخص‌های مورد نظر مقاله مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱- شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت

| سال | ایران | چین | ژاپن | کره جنوبی | مالزی | انگلیس | آمریکا | آلمان |
|------|-------|-------|------|-----------|-------|--------|--------|-------|
| ۱۳۹۰ | -۱.۵۸ | -۰.۶۰ | ۱ | .73۰ | ۰.۰۸ | .35۰ | .59۰ | .84۰ |
| ۱۳۹۱ | -۱.۶۰ | -۰.۵۴ | ۰.۹۵ | .73۰ | -۰.۰۱ | .40۰ | .63۰ | .78۰ |
| ۱۳۹۲ | -۱.۲۵ | -۰.۵۴ | ۱.۰۷ | .71۰ | ۰.۰۵ | .49۰ | .64۰ | .93۰ |
| ۱۳۹۳ | .58۱- | -۰.۵۲ | ۰.۹۷ | .68۰ | ۰.۲۷ | .42۰ | .58۰ | .93۰ |
| ۱۳۹۴ | .51۱- | -۰.۵۵ | ۱.۰۷ | .63۰ | ۰.۲۶ | .52۰ | .68۰ | .70۰ |

| | | | | | | | | |
|------|-------|-------|------|------|------|------|------|------|
| ۱۳۹۵ | .34۱- | -۰.۵۰ | ۰.۹۸ | .64۰ | ۰.۱۴ | .36۰ | .40۰ | .68۰ |
| ۱۳۹۶ | .30۱- | -۰.۲۵ | ۱.۱۲ | .74۰ | ۰.۱۶ | .26۰ | .30۰ | .58۰ |
| ۱۳۹۷ | .34۱- | .29۰- | .06۱ | .60۰ | .26۰ | .04۰ | .47۰ | .60۰ |
| ۱۳۹۸ | .70۱- | .24۰- | .04۱ | .48۰ | .11۰ | .52۰ | .30۰ | .58۰ |

مأخذ: بانک جهانی، شاخص WGI

جدول ۲- شاخص اعتراض و پاسخگویی

| سال | ایران | چین | ژاپن | کره جنوبی | مالزی | آلمان | آمریکا | انگلیس |
|------|-------|-------|------|-----------|-------|-------|--------|--------|
| ۱۳۹۰ | .58۱- | .64۱- | .07۱ | .73۰ | .47۰- | .35۱ | .13۱ | .30۱ |
| ۱۳۹۱ | .60۱- | .64۱- | .10۱ | .73۰ | .35۰- | .39۱ | .16۱ | .34۱ |
| ۱۳۹۲ | .58۱- | .63۱- | .11۱ | .71۰ | .34۰- | .41۱ | .10۱ | .33۱ |
| ۱۳۹۳ | .58۱- | .62۱- | .04۱ | .68۰ | .36۰- | .44۱ | .07۱ | .28۱ |
| ۱۳۹۴ | .51۱- | .66۱- | .99۰ | .63۰ | .39۰- | .42۱ | .11۱ | .30۱ |
| ۱۳۹۵ | .34۱- | .56۱- | .99۰ | .64۰ | .42۰- | .36۱ | .11۱ | .29۱ |
| ۱۳۹۶ | .30۱- | .50۱- | .01۱ | .74۰ | .40۰- | .39۱ | .05۱ | .33۱ |
| ۱۳۹۷ | .32۱- | .45۱- | .02۱ | .80۰ | .08۰- | .42۱ | .05۱ | .39۱ |
| ۱۳۹۸ | .37۱- | .61۱- | .96۰ | .77۰ | .04۰- | .34۱ | .97۰ | .26۱ |

مأخذ: بانک جهانی، شاخص WGI

جدول ۳- شاخص کنترل فساد

| سال | ایران | چین | ژاپن | کره جنوبی | مالزی |
|------|-------|-------|------|-----------|-------|
| ۱۳۹۰ | .58۱- | .51۰- | .56۱ | .53۰ | .03۰ |
| ۱۳۹۱ | .60۱- | .44۰- | .63۱ | .54۰ | .24۰ |
| ۱۳۹۲ | .58۱- | .36۰- | .66۱ | .61۰ | .35۰ |
| ۱۳۹۳ | .58۱- | .34۰- | .69۱ | .55۰ | .41۰ |
| ۱۳۹۴ | .51۱- | .28۰- | .57۱ | .37۰ | .24۰ |
| ۱۳۹۵ | .34۱- | .25۰- | .52۱ | .46۰ | .10۰ |
| ۱۳۹۶ | .30۱- | .27۰- | .52۱ | .48۰ | .03۰ |
| ۱۳۹۷ | .96۰- | .27۰- | .42۱ | .60۰ | .31۰ |
| ۱۳۹۸ | .05۱- | .32۰- | .48۱ | .76۰ | .25۰ |

مأخذ: بانک جهانی، شاخص WGI

جدول ۴- شاخص حاکمیت قانون

| کشور | 1398 | 1397 | 1396 | 1395 | 1394 | 1393 |
|-----------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ایران | -0.75 | -0.69 | -0.68 | -0.68 | -0.92 | -1.06 |
| چین | -0.27 | -0.20 | -0.26 | -0.33 | -0.41 | -0.41 |
| کره جنوبی | 1.19 | 1.24 | 1.16 | 1.16 | 0.93 | 0.99 |
| ژاپن | 1.54 | 1.53 | 1.57 | 1.42 | 1.52 | 1.60 |
| مالزی | 0.59 | 0.62 | 0.41 | 0.50 | 0.50 | 0.59 |

مأخذ: بانک جهانی، شاخص WGI

جدول ۵- شاخص حمایت از حقوق مالکیت

| سال | ایران | چین | ژاپن | کره جنوبی | مالزی |
|------|-------|------|------|-----------|-------|
| ۱۳۸۶ | - | .64۶ | .76۸ | .41۷ | .43۷ |
| ۱۳۸۷ | - | .08۷ | .16۸ | .61۶ | .02۷ |
| ۱۳۸۸ | .48۵ | .85۶ | .64۷ | .18۶ | .82۶ |
| ۱۳۸۹ | .63۵ | .74۶ | .81۷ | .92۵ | .19۷ |
| ۱۳۹۰ | - | - | - | - | - |
| ۱۳۹۱ | .51۵ | .04۶ | .02۸ | .91۵ | .00۷ |
| ۱۳۹۲ | .76۴ | .81۵ | .24۸ | .36۵ | .16۷ |
| ۱۳۹۳ | .91۴ | .75۵ | .63۸ | .97۵ | .25۷ |
| ۱۳۹۴ | .76۴ | .87۵ | .62۸ | .45۶ | .15۷ |
| ۱۳۹۵ | .74۴ | .96۵ | .45۸ | .56۶ | .27۷ |
| ۱۳۹۶ | .13۵ | ۵.۲۰ | .24۷ | .03۶ | .38۶ |
| ۱۳۹۷ | .99۴ | .07۵ | .70۷ | .61۶ | .01۷ |

مأخذ: موسسه فریزر (۲۰۱۸)، شاخص آزادی اقتصادی.

جدول ۶ شاخص کنترل فساد و حاکمیت قانون در سال ۲۰۱۹

| کشور | شاخص کنترل فساد | شاخص حاکمیت قانون |
|--------|-----------------|-------------------|
| آلمان | .90۱ | .62۱ |
| آمریکا | .22۱ | .46۱ |
| انگلیس | .77۱ | .60۱ |
| سوئیس | .98۱ | .91۱ |

مأخذ: بانک جهانی، شاخص WGI

شاخص‌های ثبات سیاسی و عدم خشونت در جدول ۱ نشان می‌دهد ایران، چین و مالزی به ترتیب در رتبه‌های پایین ثبات سیاسی قرار دارند و بعد از آن آمریکا، انگلیس و کره قرار داشته‌اند.

چین بعد از اعتراضات خونین میدان «تیان آن من» (۱۹۸۹) شاهد اعتراض، شورش، جنگ و درگیری نبوده است اما همچنان وضعیت بدی در این شاخص دارد. رشد بالای چین توأم با نابرابری شدید درآمدی بوده، اما هیچ مخالفتی در مردم و روزنامه‌ها دیده نمی‌شود. از یکسو نظام سیاسی مستبد چین تمام تظاهرات (ها) را پیش از آنکه گسترش یابد خاموش می‌کند و حزب کمونیست یک ابزار امنیت ملی است که هر شکلی از آشوب را شکست می‌دهد و از سوی دیگر به دلیل افزایش متوسط درآمد همه گروه‌ها، اغلب مردم به وضعیت خودشان توجه دارند نه کسانی که به درآمد بالا صعود کرده‌اند (کروبر، ۱۳۹۷: ۳۰۳). مالزی نیز وضعیت مطلوبی در این شاخص ندارد. رتبه آمریکا نیز نسبت به کره و ژاپن پایین‌تر است. آلمان و ژاپن در رتبه‌های بالاتری از ثبات سیاسی قرار دارند. به عبارتی مدل اقتدارگرایی توسعه ژاپن و آلمان در ثبات سیاسی نه تنها تأثیر منفی نداشته بلکه در این شاخص از کشورهای دموکرات بالاتر بوده است.

جدول ۲ نشان می‌دهد، شاخص اعتراض و پاسخگویی که از شاخص‌های اندازه‌گیری دموکراسی و آزادی بیان است، برای چین منفی است و حتی از برخی کشورهای در حال توسعه نیز پایین‌تر است. الگوی چینی معتقد است، دموکراسی انتخاباتی برای همه کشورها مناسب نیست و کشورهای در حال توسعه از جمله چین نیازمند ثبات و توسعه اقتصادی قبل از رفاه لیبرال دموکراسی و آزادی فردی در قالب غربی هستند (He Li, 2015: 130). این شاخص در مالزی و ایران نیز منفی است. کره جنوبی نیز نسبت به سایر کشورهای توسعه‌یافته جدول نظیر ژاپن، آمریکا، انگلیس و آلمان جایگاه مطلوبی ندارد اما با گذشت زمان در حال بهبود است. ژاپن نیز با گذشت زمان و دستیابی به دولت توسعه‌گرا به تدریج از دسترسی محدود سیاسی به دسترسی باز تبدیل شده است.

جدول ۳ شاخص کنترل فساد را بررسی می‌کند. ایران وضعیت نامطلوب دارد چین هم در مقایسه با همسایگان توسعه‌یافته خود وضعیت مطلوبی ندارد و مالزی نیز با وجود بهبود عملکرد در برخی سال‌ها نسبت به کره و ژاپن عملکرد مطلوبی نداشته است. ژاپن پیشگام توسعه شرق آسیا عملکرد مطلوبی در زمینه کنترل فساد داشته و همواره این شاخص از ۱ بیشتر بوده است با وجود مثبت بودن شاخص برای کره اما با ژاپن فاصله بسیار دارد. هرچه کنترل فساد بیشتر باشد دسترسی باز اقتصادی بیشتر است و کنترل فساد نیز معلول دسترسی باز سیاسی است. پیشرفت اقتصادی در چین با وجود ضعف کنترل فساد و دسترسی محدود سیاسی صورت گرفته است. مدل رشد چین از همسایه‌های خود یعنی، کره جنوبی، ژاپن و تایوان که رشد با کنترل فساد امکان‌پذیر شد متفاوت است. باین حال چین نیز اهمیت مبارزه با فساد را درک کرده «در آغاز دهه ۱۹۸۰ حزب کمونیست مبارزه ادامه‌دار و گاه بسیار شدید علیه فساد به راه انداخت. موارد «جرم اقتصادی» پیگیری شده از کمتر از ۱۰ هزار مورد در سال ۱۹۸۰ به ۵۰ هزار مورد در اواخر دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت تا مجال فسادهای بزرگ کاهش پیدا کرد و انگیزه مقامات برای رشوه از شرکت‌های بخش خصوصی کم‌رنگ شد. باین حال حکمرانی کمونیستی بسته امکان ریشه‌کنی فساد را نداده است» (کروبر، ۱۳۹۷: ۳۰۷). به نظر می‌رسد هرچه حرکت به سمت نظام‌های دسترسی باز بیشتر شود کنترل فساد بیشتر خواهد بود. چنانچه شاخص‌های کنترل فساد در آلمان، انگلیس، آمریکا و سوئیس و ژاپن در شرق آسیا به‌عنوان نمونه نظام دسترسی باز نسبتاً مطلوب است.

جدول ۴ شاخص حاکمیت قانون را نشان می‌دهد. مانند شاخص‌های دیگر ایران و چین وضعیت نامطلوب در حاکمیت قانون دارند. ژاپن بهترین وضعیت را داراست و همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود مانند سایر کشورهای توسعه‌یافته نظیر آلمان، انگلیس، آمریکا و سوئیس است. جایگاه بعدی جدول از آن کره و مالزی است. حاکمیت قانون بویژه بر نخبگان قدرت عامل مهمی در کنترل فساد و امنیت حقوق مالکیت است. در جدول ۵ شاخص «حمایت از حقوق مالکیت» در ژاپن بالاتر از سایر

همسایگان خود است. پس از ژاپن به ترتیب مالزی و کره قرار دارند و چین و ایران در رتبه‌های بعد هستند. چین در شاخص حقوق مالکیت با کره به‌طور تقریبی یکسان است و در این شاخص بهتر از سایر شاخص‌های بررسی شده در این مقاله است. حزب کمونیست چین هیچ تضادی در اصلاحات عمیق‌تر بازار از جمله حمایت از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون برای دستیابی به اهداف ملی توسعه نمی‌بیند، درحالی‌که محدودیت‌های جدیدی را بر آزادی‌های فردی اعمال می‌کند (Hi Le, 2015:130). بهتر بودن شاخص حقوق مالکیت چین نسبت به بقیه شاخص‌ها به دلیل اولویت توسعه اقتصادی برای چین است. هرچند تجربه چین پیامدهای عمومی ندارد زیرا شرایط اولیه چین نظیر عرضه کار ارزان و بازار جذاب داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی منحصر به فرد است اما اجماع در میان اندیشمندان چینی وجود دارد که حکمرانی خوب برای ایجاد دموکراسی در عملکرد حیاتی است اما نه دموکراسی غربی (Hi Li, 2015: 136).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از نظریه توازن دوگانه داگلاس نورث، اقتصاد سیاسی کشورهای منتخب شرق آسیا از جمله ژاپن، کره جنوبی، چین و مالزی بررسی شد. در نظریه توازن دوگانه، دسترسی باز سیاسی و اقتصادی با هم در توازن هستند. مهم‌ترین مسئله کشورهای در حال توسعه حل معضل خشونت و رانت‌های نامولد است. اینکه دسترسی باز سیاسی در اولویت است یا دسترسی باز اقتصادی و یا هر دو و اینکه حل معضل رانت و خشونت چگونه باید باشد با استفاده از تجارب کشورهای شرق آسیا مورد بررسی قرار گرفت که حاوی نکات مهمی از دیدگاه اقتصاد نهادی است. نخست اینکه همه این کشورها راه‌حل‌های بومی و الگوی بومی توسعه را برگزیده‌اند. روش آنها با الگوهای غربی توسعه، بویژه الگوی لیبرال سرمایه‌داری بانک جهانی و IMF تفاوت داشته و در آن دسترسی باز اقتصادی بر دسترسی باز سیاسی مقدم بوده است. دوم اینکه

در این کشورها ابتدا وفاق ملی در مورد اهداف و اولویت‌های توسعه بویژه در سطح نخبگان قدرت ایجاد شد. وفاق ملی باعث شد تا معضل خشونت و رانت در دولت‌های اقتدارگرا با حاکمیت قانون بر نخبگان قدرت، حذف رانت‌های نامولد و کنترل فساد حل شود، بویژه در تجربه ژاپن و کره جنوبی. هرچند نخبگان قدرت به‌طور داوطلبانه با افزایش دسترسی‌ها و کاهش روابط شخصی و عدم شفافیت میان خود موافقت نمودند اما نقش دستگاه قضایی در ایجاد امنیت حقوق مالکیت و حاکمیت قانون بسیار مهم بوده است. سوم اینکه حرکت از دسترسی محدود سیاسی به سمت دسترسی باز سیاسی با تأخیر نسبت به دسترسی اقتصادی صورت گرفته است. پس از توسعه صنعتی، پیشرفت‌های علمی و رشد اقتصادی بالا، آرام‌آرام سطح دسترسی‌های سیاسی افزایش یافته است نه یک‌باره و نه در ابتدای مسیر توسعه. اکنون ژاپن به‌عنوان پیشرو توسعه شرق آسیا در شاخص‌های دسترسی باز سیاسی با کشورهای دموکراتیک غربی برابری می‌کند. کشورهای کره جنوبی و مالزی نیز به این سمت در حال حرکت هستند و چین به‌عنوان یک استثنا با تأخیر بسیار به این سمت در حال حرکت است.

ایران به لحاظ شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی تفاوت‌هایی با کشورهای شرق آسیا دارد. این تفاوت‌ها مسیر توسعه را سخت‌تر می‌سازد. باین‌حال، ایران نیز باید حل معضل رانت و خشونت را از طریق افزایش امنیت حقوق مالکیت مولدها، حاکمیت قانون و کنترل فساد در اولویت قرار دهد. راه‌حل‌های نظام سرمایه‌داری از قبیل بازار آزاد و دموکراسی غربی تاکنون نتوانسته برای ایران اثربخش باشد. ایران نیازمند یک راه‌حل بومی برای پیشرفت است راه‌حلی که بتواند مشکلات خاص ایران را با راه‌حل‌های بومی حل نماید. تجربه شرق آسیا حاکی از اولویت دسترسی باز اقتصادی بر دسترسی باز سیاسی است. همچنین در این تجربه ایجاد حکمرانی خوب با توجه ویژه بر امنیت حقوق مالکیت مولدها، حاکمیت قانون بر نخبگان قدرت و کنترل فساد بر ایجاد نهادهای دموکراتیک غربی اولویت داشته است. نکته دیگر از این تجربه ایجاد وفاق ملی بر سر اهداف توسعه بویژه در سطح نخبگان قدرت است.

منابع

- استیگلیتز، جوزف. (۱۳۸۲)، *جهانی‌سازی و مسائل آن*، ترجمه: حسن گلریز، تهران: نشر نی.
- بانک جهانی. (۲۰۱۸)، *بانک داده‌ها*.
- <https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>
- بدیع، برتران. (۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی*، ترجمه: احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
- توکلی، محمدکاظم. (۱۳۸۴)، *ماهاتیر محمد، معمار مالزی نوین*، تهران: نشر ققنوس.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۱)، *ماهیت و ساختار دولت در ایران، نقش دولت در اقتصاد*، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاکری، عباس. (۱۳۹۵)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران*، تهران: نشر رافع.
- شیرزادی، رضا. (۱۳۸۹)، *دولت و توسعه سیاسی در مالزی، فصلنامه مطالعات سیاسی*، شماره ۹ دوره ۳: ۱۵۳-۱۷۹.
- شیرزادی، رضا. (۱۳۹۰)، *دولت و توسعه سیاسی در کره جنوبی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۵: ۳۹-۸۲.
- عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمز. (۱۳۹۴)، *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، ترجمه: محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ سوم.
- کروبر، آرتور آر. (۱۳۹۷)، *آن‌سوی دیوار، اقتصاد چین*، ترجمه: سعید ارکان زاده یزدی و آزاده اکبری، تهران: نشر امین‌الضرب، چاپ اول.
- مؤمنی، فرشاد. (۱۳۸۶)، *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*، تهران: انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- موسسه فریزر. (۲۰۱۷)، *شاخص آزادی اقتصادی*.
- <https://www.fraserinstitute.org/economic-freedom/dataset>
- نقیب‌زاده، احمد و دلفروز، محمدتقی. (۱۳۹۳)، *بررسی فرآیند توسعه اقتصادی کره جنوبی در چارچوب الگوی دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک، فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۵، شماره ۴: ۱۰۱۵-۱۰۳۲.

– نورث، داگلاس سی؛ والیس، جان جوزف؛ وب، استیون بی و وینگاست، باری آر. (۱۳۹۵). سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت، ترجمه: محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول.

- Omoniyi victor Ajulor,2018, The challenges of policy implementation in Africa and sustainable development goals, **International journal of social sciences**, 1497-1518.
- North D and J. Wallis and S. Webb and B.Weingast. 2007. "**Limited Access Orders in the Developing World:A New Approach to the Problems of Development**". World Bank Policy Research Paper No.4359 Washington DC.
- North Douglass c Wallis John J and Weingast Barry R,2006,"**A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History**" December, NBER. Working Paper Series, No 12795
- North D and J. Wallis and S. Webb and B.Weingast. 2009."**Violence and Social Orders: A Conceptual FrameWork for Interpreting Recorded Human History**". New York: Cambridge University Press.
- He Li, 2015, The Chinese Model of Development and Its Implications, **World Journal Science Research**, vol2. No2.p126-138.
- Thompson Mark, 2016, **East Asian Authoritarian Modernism: From Meiji Japans "Prussian Path" to Chinas "Singapore Model"**, Asian International Studies Review, Vol 17 No2. P 125-141.
- Halper, S, 2010, The Beijing Consensus: **How Chinas authoritarian model will dominate the twenty- first century**. New York: Basic Books.